

## همانندی زبانزدهای ایرانی و ژاپنی

فرهود شکومی

دیباچه

"زبانزد" سخنی است که جای ژرفی در ژرفای فرهنگی هر ملت دارد. بی‌گمان، این سخن از دل مردم برآمده و هم از این روست که بر دل مردم خوش نشست است. همان گونه که می‌دانیم، بررسی برابر نهادگی دو فرهنگ، راه‌های گونه‌گونی دارد که یکی از این راه‌ها کاویدن زبانزدهای رایج در آن دو فرهنگ است.

در اینجا دو پرسش بنیادین مطرح است: این که اگر زبانزدهایی از دو فرهنگ، همانند باشند، آیا می‌توان گفت که این دو فرهنگ یک ریشه دارند؟ به دیگر سخن، آیا خاستگاه این دو فرهنگ یک جاست؟ و پرسش دیگر این که اگر چنین زبانزدهای همانند در دو فرهنگ موجود باشند، آیا می‌توان گفت که آنها بر اثر جابه‌جایی فرهنگی پدید آمده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها می‌توان گفت که بی‌گمان، اگر خاستگاه دو فرهنگ یکی باشد، ریشه‌های مشترکی نیز باید بر آنها هویدا باشد. اما وارون این سخن همواره درست و راست نیست. زیرا شاید این ریشه‌ها بر اثر جابه‌جایی فرهنگی پدید آمده باشند. نکته دیگر این است که برخی گفته‌ها زادهٔ خِرَد و خردپسندند و هیچ بایستگی در جابه‌جایشان نیست. برای نمونه همه می‌دانند که «آب رفته به جوی باز نمی‌گردد» و سخنانی مانند آن. حال اگر این گفته در دو فرهنگ دور از یکدیگر از دید مکانی و زمانی پدیدار باشد، به درستی نمی‌توان گمان بُرد که آن دو فرهنگ دارای یک خاستگاه باشند، یا این گونه سخنان بر اثر جابه‌جایی فرهنگی پدید آمده‌اند. اما می‌توان اندیشید که وجود

سخنی چنین خردپسند در هر فرهنگ گویای ارج‌گزاری به خرد در آن فرهنگ است. در اینجا سخن بر سر وجود زبانزدهای همانند در دو فرهنگ ایران و ژاپن است. کشورهایی که هم از دید مکانی و هم از دید زمانی از یکدیگر دورند. اما بی‌گمان در این درازنای مکانی و زمانی از هم جدا نبوده‌اند و پیوندهای سُست یا مانایی بینشان بوده است.<sup>۱</sup>

امروزه با گسترش ابزارهای توانمند «پیوندی» بین فرهنگ‌های مردمان سرزمین‌های گوناگون، بناچار، راه‌های «پیوندی» بین دو فرهنگ ایران و ژاپن نیز افزوده شده است و همه این راه‌ها در جابه‌جایی فرهنگ‌ها نقش پُرارزشی دارند.

نگارنده امید دارد که پیوندی بر پایه خرد و مهر بین همگان پدید آید و سخن رادمرد فرزانه ایرانی را همواره به یاد داشته باشیم که هنوز پس از هزار سال آواز خوشش، بشکوه و بلند به گوش می‌رسد:

جهان خرمی با کس نمآند      فلک روزی دهد روزی ستاند

جهان یادگار است و ما رفتنی      به گیتی نمآند به جز مردمی<sup>۲</sup>

(فردوسی)

نگارنده زبانزدهایی را از فرهنگ ژاپن برگرفته و با زبانزدهای ایرانی بررسی کرده است. وی در این بررسی به همانندهایی برخورده که در این جا آنها را گرد آورده است.

گفتنی است که برای آشنایی بیشتر و بهتر شما با زبانزدهای ژاپنی، آنها را هم به خط ژاپنی و هم آوانویسی در کنار یکدیگر آورده‌ایم.

در پایان از همه کسانی که در این زمینه آگاهی دارند، بی‌پیرایه و از سر مهر درخواست می‌کنیم که کوشش ناچیزمان را ارج بنهند و با بزرگواری ما را راهنمایی نمایند. باشد که کارمان پُربارتر گردد. ایدون باد.

۱. نگاه شود به: شکوهی. فربود، «واژگان پارسی در زبان ژاپنی»، ره‌آورد گزارش نخستین مجمع بین‌المللی استادان زبان فارسی، سروش، ۱۳۷۷.

۲. این دو بیت در حدود ۷۸۰ سال پیش، از ایران به ژاپن ره یافته‌اند. اگر بخواهیم همه سخنان ملت ایران را برای مردم گیتی در چند واژه بیان داریم، بی‌گمان همین سروده‌ها را می‌توان آن چند واژه دانست. همچنین حافظ آن را به گونه‌ی دیگر بیان می‌دارد:

بر این رواق زسرجد نوشته‌اند به زر      که جز نکویی اهل کَرَم نخواهد ماند  
نگاه شود به: کورویاناگی، ت. «اعتقاد فردوسی به سرنوشت در شاهنامه»، راهنمای کتاب، جلد بیستم، ص ۵۷۰ تا ۵۸۰.

(۱)

ژاپنی

آینه شکسته، دگر بار چیزی نمی نماید باز.

破鏡再び照らさず。

هاکیو فوتابی ته را سازو.

Hakyō Futatabi terasazu.

ایرانی

آینه کج جمال ننماید راست.

(۲)

ژاپنی

گر تو را سر پیری است، رهرویت می باید.

沙弥から長老。

شامی کارا چیو روؤ.

Shami kara chyōrō.

ایرانی

- جوانا سر متاب از پند پیران که رأی پیر از بخت جوان به

\* \* \*

- آنچه در آینه جوان بیند پیر در خشت خام آن بیند

\* \* \*

- بی پیرمرد تو در خرابات هر چند سکندر زمانی

- جز به تدبیر پیر کار مکن.

- پیر می سازد و مریدان دسته می نهند.

- بسیار سفر باید تا پخته شود خامی.

(۳)

ژاپنی

- نخست کس را بنگر، سپس فرمان بده.

نین اُمی تِه هُوؤ اُ تُوکِه. 人を見て法を説け.

Nin o mite hō ō tokc.

ایرانی

- فسحت میدان ارادات بیار تا بزند مرد سخنگوی، گوی

\* \* \*

- سخن را نیوشیده باید نخست گهر بی خریداره ناید درست

\* \* \*

- مستمع چون نیست، خاموشی به است نکته از نااهل اگر پوشی به است

\* \* \*

- تو به صد تلطیف پندش می دهی او ز پندت می کند پهلو تهی

\* \* \*

- مستمع چون تشنه و جوینده شد واعظ آر مرده بُود گوینده شد

\* \* \*

- مستمع صاحب سخن را بر سر شوق آورد.

- اول اندیشه، وانگهی گفتار

(۴)

ژاپنی

- مار، مار، را در پی است. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جانومی چی واهیه بی، مال جامع علوم انسانی. 蛇と道は蛇。

Ja no michi wa hebi.

\* \* \*

شیطان دیو را به همسری برمی گزیند.

انی نو نیوویوؤ نی کی جین (ارابو). (おとけ) 鬼と女房にきじん

Oni no nyōbō ni kijin (erabu).

## ایرانی

- همکار، همکار را می شناسد.
- بد آید، بد اندیش را کار پیش.
- بد آید، به مرد از بد کار بد.
- بد آید ز مردم به کردار بد.
- بد اندیش را بد بُود روزگار.
- بد کردار، بد اندیش بُود.
- خوی بد باشد جزای بد کاری.
- بد مکن و بد میندیش، تا تو را بد نیاید پیش.
- کار بد از مردم بد سزد.

(۵)

## ژاپنی

- آب ریخته به ظرف بر نگردهد.

覆水盆に返らず。

- فوکوسویی بون نی کالارازو.

Fukusui bon ni kaerazu.

\* \* \*

- شکوفه فتاده به شاخه باز نیاید.

らくは枝に帰らず。

- راکو وا ادا نی کالارازو.

Rakku wa eda ni kaerazu.

## ایرانی

- وا نگردهد تیر رفته ای پسر بند باید کرد سئیلی را ز سر

\* \* \*

- سخن گفته و قضای رفته و تیر انداخته باز نگردهد.

- آب ریخته به کوزه باز نیاید.

- آب رفته به جوی باز نیاید.

(۶)

ژاپنی

-زندگی مانند شعله شمع در برابر باد است.

命は風せん点しひ

ای نوچی وا فووزن نو توموشی بی.

Inochi wa fūzen no tomoshibi.

\* \* \*

-زندگی چون شبنم است

露の命

تسویو نو ای نوچی.

Tsuyu no inochi.

ایرانی

پرتو عمر چراغی ست که در بزم وجود به نسیم مژه بر هم زدنی خاموش است

(۷)

ژاپنی

طلاکوبی کردن یخ، چون وصف کردن آب است.

氷をちりばめ、水に描く。 کویبی اچی ری بایمه، می زو نی اگاگو.

Koi o chiribame, mizu ni egaku.

ایرانی

- آب در هاون کوفتن.

- با آبکش آب آوردن.

(۸)

ژاپنی

باریک است، اما دراز.

هوسوکو، ناگاکو.

細く、長く。

Hosoku, nagaku.

ایرانی

- اسب تازی دو تک رود به شتاب شتر آهسته می رود شب و روز

\* \* \*

- رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

\* \* \*

- هر که آرام رود، دور رود.

- راه باز است و جاده دراز.

(۹)

ژاپنی

در دیوار گوش است، در «شووجی» (درهای کاغذی ژاپنی) چشم.

کابه نی می می آری، شووجی نی می آری. 壁に耳あり、障子に目あり。

Kabe ni mimi ari, shōji ni me ari.

در دیوار گوش است، در آسمان دروازه.

کابه نی می می آری، تین (آیه) نی گوچی. 壁に耳あり、天に口。

Kabe ni mimi ari, ten (ame) ni guchi.

\* \* \*

در آسمان دروازه است، در زمین گوش.

تین (آیه) نی گوچی آری، چی (جی) نی می می آری. 天に口あり、地に耳あり。

Ten (ame) ni guchi ari, chi (ji) ni mimi ari.

ایرانی

- دیوار موش داره، موش هم گوش داره.

\* \* \*

چه گفت آن سخنگوی پاسخ نپوش که دیوار دارد به گفتار گوش

\* \* \*

- به خلوت نیزش از دیوار می پوش که باشد در پس دیوارها گوش

\* \* \*

- لب مگشا گرچه در او نوش هاست کز پس دیوار بسی گوش هاست

(۱۰)

ژاپنی

جامه سفید رنگرز.

(رنگرزاها شلوار و دامن سفید می پوشند.)

紺屋の白袴。

کۆویا نو شیرو باکاما.

Kōya no shiro bakama.

پزشک به تندرستی خویش بی اعتناست.

医者の不養生。

ای شا نو فویو جیوؤ.

Isha no fuyōjuō.

ایرانی

کوزه گر از کوزه شکسته آب می نوشد.

(۱۱)

ژاپنی

کلوچه برنجی و کلوچه پز

(کلوچه برنجی را از کلوچه پز خریدن)



餅は餅屋。

موجی وا موجی یا.

Mochi wa mochiya.

\* \* \*

مار و راه مار-رو.  
(مار از راه مار-رو می رود).

蛇の道は蛇。

جاآ نو می چی وا هه بی.

Jā no michi wa hebi.

ایرانی

- کار هر بزن نیست خرمن کوفتن  
- کار را به کاردان سپردن.  
- کار را از راهش وارد شدن.

(۱۲)

ژاپنی

کارهای خوب حتی از درهم بیرون نمی روند، اما کارهای بد هزار «ری» (واحد مسافت در ژاپون) را می پیمایند.

(کارهای خوب را کسی نمی ستاید، اما کارهای بد را همه باز می گویند.)

好事間を出でず

كؤوجی مؤن أ ای دزو آكوجی سین ی أ ای كو. 悪事千里を行く。

Kōjimon o idezu akuji sen ri o iku.

ایرانی

صد نقش درست آمد و کس را نظری نیست چون رفت خطایی همه را چشم بر آن است

(۱۳)

ژاپنی

پول می آید و می رود.

金は天下の回りもの。

کانه وا تین کانو ماواری مونو.

Kane. wa tenka no mawari mono.

ایرانی

- پول مثل چرک کف دست است.

(۱۴)

ژاپنی

راحتی هست، سختی هم هست.  
(زندگی فراز و نشیب دارد و یک جور نیست).

楽あれば苦あり。

راکو آریا کو آری.

Raku areba ku ari.

ایرانی

- چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین گهی زین به پشت  
- اگر سیبی را به هوا بیندازی، تا زمین برسد هزار تا چرخ می خورد.

(۱۵)

ژاپنی

گل به ریشه اش باز می گردد

花は根に帰る。

هانا وا نه نی کارو.

Hana wa ne ni kaeru.

\* \* \*

پرنده به لانه قبلی اش باز می گردد.

鳥は古巣に帰る。

توری وا فوروسو نی کارو.

Tori wa furusu ni kaeru.

ایرانی

- هر کسی کو دور ماند از اصل خویش  
- آنچه از دریا، به دریا می رود  
- از همانجا کآمد آنجا می رود  
- هر کسی بر خلقت خود می تند  
- باز گردد به اصل خود هر چیز.  
- عاقبت گرگ زاده گرگ شود.  
- انالله و انا الیه الراجعون.

(۱۶)

ژاپنی

مانند سوراخ روباه!

同じ穴と狐。

آناجی آنا نو کی تسونه.

Onaji ana no kitsune.

\* \* \*

یک نفره مانند سوراخ روباه!

一つ穴と狐

هی تو تسه آنا نو کی تسونه.

Hitotsu ana no kitsune.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ایرانی با مع علوم انسانی

مثل سوراخ موش!

(۱۷)

ژاپنی

بازگشت خوبی، خوبی است، بازگشت بدی، بدی.

زن نی وا زن نو موكویی، اكو نی وا اكو نو موكویی.

Zen ni wa zen no mukui, aku ni wa aku no mukui.

善には善、悪い、悪には悪、悪い。

ایرانی

- مگو ناخوش که پاسخ ناخوش آید به کوه آواز خوش ده تا خوش آید

\* \* \*

- تو نیکی می کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

(۱۸)

ژاپنی

باد بی موقع، زمان سرش نمی شود.

موجو نو کازِ وا توکی اِرابازو. 無常、風は時を~~違~~はず

Mujō no kaze wa toki o erabazu.

\* \* \*

شیطان بی موقع، نفس را سرزنش می کند.

موجو نو آنی گا می اِسه مورو. 無常、鬼が身を責むる。

Mujō no oni ga mi o semuru.

خروس بی محل. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۱۹)

ژاپنی

اگر صبر کنی، هوای صاف از راه دریا می رسد.

ماتِبه با کایِی رُو نو هی یوری آری. 待ては海路、日和あり。

Mateba kairo no hiyori ari.

\* \* \*

پس از توفان، دریا آرام می شود.

嵐のあとには風が来る。 آراشی نو آتو نی وا ناگی گا کورو.

Arashino ato ni wa nagi ga kuru.

ایرانی

- صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند  
- در اثر صبر نوبت ظفر آید  
- گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.

(۲۰)

ژاپنی

فردا روز تازه‌یی است.  
(فردا، باد فردا می‌وزد).

明日は明日の風が吹く。 آشی تا وا آشی تا نو کازِ گا فوکو.

Ashita wa ashita no kaze ga fuku.

\* \* \*

فردا روز تازه‌یی است.  
(فردا، خدای فردا از ما پاسداری و پشتیبانی می‌کند.)

明日は明日の神が守る。 آشی تا وا آشی تا نو کامی گا مامورو.

Ashita wa ashita no kami ga mamoru.

ایرانی

- فردا هم روز خداست.

(۲۱)

ژاپنی

گرد و غبار چون جمع شود، کوهی شود.

塵も積もれば山となる。 چی ری مو تسومورِبا، یاما تو نارو.

Chiri mo tsumoreba, yama to naru.

\* \* \*

اگر چیزهای کوچک به مقدار فراوان گرد هم آیند، چیز بزرگی می شوند.

چی سانا - مونو گا تاکوسان تسوماربا آکی نامونو نی نارو.

Chisana - mono ga takusan tsumareba ōkina-mono ni naru.

小さな物がたくさん集まれば大きな物になる。

ایرانی

نظره قطره جمع گردد، وانگهی دریا شود.

(۲۱)

ژاپنی

چشم پر اشتیاق عاشق.

惚れた谷欠目。

هورتا، یوکو مه.

Horeta, yoku me.

\* \* \*

در چشم عاشق زشتی هم زیباست.

愛人の目には  
醜鬼も美なり。

آبی جین نو مه تی وا می نی کو مو اوتسوکو نارو.

Aijin no me ni wa miniku mo utsuku nara.

ایرانی

- اگر بر دیده مجنون نشینی  
- چشم عاشق کور است.  
به غیر از خوبی لیلی نبینی

(۲۳)

ژاپنی

در گوش اسب دعا خواندن.

馬の耳に念仏。

اوما نو می می نی زین بوتسو.

Uma no mimi ni nenbutsu.

\* \* \*

آواز بسیار دلنشین برای اسب مرده!

شین دا اوما نی سان - اوتسوکو - اوتا. 死んだ馬に賛美歌。

Shinda uma ni san-utsuku - uta.

ایرانی

در گوش خر یاسین خواندن.

(۲۴)

ژاپنی

رخدادی که دوبار پیش آید، بار سوم هم پیش می آید.

نی دو آرو کوئو وا، سان دو آرو. 二度あることは、三度ある。

Ni do aru koto wa, san do aru.

\* \* \*

اگر یک بار بدبختی و بلا رخ داد، بار دوم هم رخ می دهد.

ایسای اُکورِبا، نِسای اُکورو. 一災起れば、二災起る。

Issai okoreba, nissai okoru.

ایرانی

تا سه نشه، بازی نشه.

(۲۵)

ژاپنی

مانند خیار (خربزه و طالبی و...) که دو نیم کرده باشند.

瓜ニつに割ったよ。

اوری فوتاتسو نی واٹا یو.

Uri futatsu ni watta yo.

ایرانی

مانند سیبی که دو نیم کرده باشند.

(۲۶)

ژاپنی

پیاز، گل سرخ نمی دهد!

玉ねぎにばらは咲かない。

تامانه گی نی بارا وا ساکانایی.

Tamanegi ni bara wa sakanai.

ایرانی

گندم از گندم بروید، جوز جو!

(۲۷)

ژاپنی

بدن تنها از دیو دل آسیب می بیند.

心の鬼が身を責める。

کوکورو نو انی گامی اسیه مورو.

Kokoro no oni ga mi o semeru.

ایرانی

بت تو نفس هوئی پرور توست  
که به صدگونه خطا رهبر توست  
-کرم از خود درخت است.

(۲۸)

ژاپنی

چشم، پنجره دل است.



目は心、窓

مه وا کۆکۆرۆ نۆ مادۆ.

Me wa kokoro no mado.

\* \* \*

目は心、鏡。

چشم، آینه دل است.  
مه وا کۆکۆرۆ نۆ کاگامی.

Me wa kokoro no kagami.

ایرانی

- هر آنچه دیده بیند دل کند یاد!

(۲۹)

ژاپنی

خریدن کالای ارزان هدر دادن پول است.

安物買い、銭先い。

ياسومونو کایى نۆزنى اوشى نایى.

Yasumono kai no zeni ushinai.

پژوهشگاه مطالعات فرهنگی ایرانی

- هیچ ارزانی بی دلیل نیست.

- هیچ ارزانی بی علت نیست و هیچ گرانی بی حکمت نیست.

(۳۰)

ژاپنی

- به بودا توضیح دادن!

釈迦に説法。

شاکا نی سه تسویوؤ.

Shaka ni setsupō.

\* \* \*

به میمون بالا رفتن از درخت را آموختن!

猿に木登り。

سارو نی کی نو بوری.

Saru ni ki nobori.

ایرانی

- زیره به کرمان بردن.  
- به گدا شب جمعه را آموختن.  
- پیش میمون (لوطی) و معلق بازی.

(۳۱)

ژاپنی

دوستان، خوب و بد هم را دیده اند.

善悪は友にある。

زن آکو وا تو مو نی یورو.

Zenaku wa tomo niyuru.

ایرانی

زیر و زیر هم را دانستن.

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
(۳۲)  
ژاپنی

- میمون از سرخی مقعدش خبر ندارد، مقعد دیگری رو مسخره می کند.

猿の尻笑い。

سارو نو شیری دارایی.

Saru no shiri warai.

\* \* \*

آشغال (کثافت) چشم، آشغال (کثافت) بینی را مسخره می کند.

目糞が鼻糞を笑う。      مه کوسو گا هانا کوسو ا واراو.

Me kuso ga hana kuso o warau.

ایرانی

-دیگ به دیگ می‌گه: روت سیاه.

-سیر به پیاز می‌گه: تو بو می‌دی.

(۳۳)

ژاپنی

برای دانستن، تفاوتی بین پیر و جوان نیست.

(هیچ وقت برای آموختن دیر نیست.)

学に老若の別なし。

گاکو نی ا-واکا نو واکاناشی.

Gaku ni o-waka no wakanashi.

ایرانی

-زگهواره تاگور دانش بجوی.

(۳۴)

ژاپنی

-گشتن دو پرنده با یک سنگ.

一石 = 鳥。

ای چی ای شی نی توری.

Ichi ishi ni tori.

ایرانی

-چه خوش بود که به یک کرشمه برآید دو کار.

-با یک تیر دو نشان زدن.

(۳۵)

ژاپنی

- صدای مردم، صدای خداست.

民の声は神の声。

تامی نو توؤ واکامی نو توؤ.

Tami no tō wa kami no tō.

ایرانی

- دست خدا با گروه است (يُدَالله مَعَ الْجُمَاعَة).

(۳۶)

ژاپنی

در کار نیک بشتاب، اما در کار بد تأخیر کن.

善は急げ、悪は延べよ。 زن وای سوگه، آکو وای نوبه یو.

Zen wa isogo, aku wa nobeye.

ایرانی

در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست.

(۳۷)

ژاپنی

درخت را می بیند، اما جنگل را نمی بیند!

木を見て、森を見ず。

کی امی ته، موری امی زو.

Ki o mite, mori o mizu.

ایرانی

- داستان/خاتون و خرش!

(۳۸)

ژاپنی

ماه بزرگ می شود و سپس به کاستی می گراید. حال دنیا چنین است.

می تسوربا کاکورو یونونارایی. *みつればかくるよのならい。*

Mitsureba kakuru yononarai.

ایرانی

چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت

(۳۹)

ژاپنی

ماه و لاک پشت!

*月とすつぽん。*

تسوکی تو سوتسوپون.

Tsuki to sutsupon.

ایرانی

- بهشت و دوزخ.

- زشت و زیبا.

- لاغر و چاق.

کتابنما

۱. دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، امیرکبیر، فروردین، ۱۳۵۲.

2. Hearn, Lafcadio, *In gostly Japan*, Charles E. Tuttle Company, Inc., Rutland, Vermont Tōkyō, Japan, 1971.

3. Isuchida, Mitsufumi, *Koji kotowaza jiten*, Scibido, Japan, 1997, (Japanese).

4. \_\_\_\_\_, *"kotowaza no tokuhou"*, shogakukan, Kapan, 1989, (Japanese).